فصلنامه پژوهش های نوین در علوم انسانی و حقوق دوره ۲- شماره۴ –تابستان۱۴۰۵ – صفحات۸۹۸-۸۷۷
Journal of new Researches in Humanities and Law
ISSN 3060-6101

مددکاری اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای

محمدرضا پوراکبریان نیاز[۱] داود پوراکبریان نیاز[۲]
۱. دکترای مددکاری اجتماعی، دانشگاه حاجت تپه، آنکارا
۲. دانشگاه تبریز

چکیده

اخلاق حرفه‌ای اولین لازمه و بایستهٔ هر شغلی است که عدم رعایت آن موجب ضرورت تجدیدنظر در پروانه اشتغال حرفه‌ای افراد متخلف و سهل‌انگار بوده هرگونه اغماض و مسامحه در این امر می‌تواند حاکی از وجود برخی از اشکالات ساختاری و نظام‌مند در نهادهای بازرسی به ویژه اتحادیه صنفی مربوطه همچنین صلاحیت مسئولان ارشد مربوطه باشد. برای مددکاری اجتماعی نیز مانند سایر حرفه‌ها ضوابط اخلاقی مقتضی تحت عنوان اخلاق مددکاری اجتماعی تعریف و تبیین شده است. در این مقاله ضمن مرور مختصری بر مطالعات انجام شده و محصول اجرایی و عملکردی آن، نگاهی داریم بر نقاط ضعف یا نارسایی‌های احتمالی که موجب عدم امکان ایفای کامل و بدون نقص نقش مددکاری اجتماعی توسط متولیان و مسئولان امر است. نتیجهٔ مطالعه، بررسی و تحلیل موضوع در چارچوب محدود به ابعاد معین و مشخص مقاله حاضر حاکی از وجود برخی ضعف‌های اساسی در جامعه به ویژه در ساحت فرهنگ، اخلاق و باورهای عمومی در قالب دین و مذهبِ تحریف شده و عدم التزام اخلاقی و وجدانی برخی افراد نسبت به ضوابط و اصول مدون در خصوص رفتار سازمانی همچنین ریا، نفاق، چاپلوسی و برخی ضعف‌های رفتاری مشابه در برخی افراد می‌باشد. این واقعیت انکارناپذیر، عملاً ایفای وظایف و تعهدات نقش مددکاری اجتماعی را با برخی موانع و تزاحمات مواجه و گاهاً منجر به تحمل خسارات و عواقب سوئی نموده‌است. بر متولیان امور فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی است که با توجه به جبران‌ناپذیر بودن خسارات و پیامدهای نامطلوب وضعیت نامساعد موجود در درازمدت، با تشکیل کارگروه‌های منظم، جدی و دقیق، ریل‌گذاری مقتضی در زمینه‌های مختلف مؤثر در اخلاق عمومی و نیز حرفه‌ای به ویژه در رشته مددکاری اجتماعی انجام و ریل‌های تعبیه شده معیوب قبلی را نیز اصلاح نمایند.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، مددکاری اجتماعی، تربیت، رفاه اجتماعی

مقدمه

رفتار انسان‌ها معمولاً پدیده‌ای درهم تنیده با افکار و باورهای ذهنی و اعتقادات درونی‌شان است و افراد علی‌الظاهر سعی در اخلاقی جلوه نمودن رفتارهای خود دارند، غافل از این که ای بسا حقیقت فراتر از چیزی باشد که تصور می‌کنند. وقتی می‌توان تصویری صحیح و اصیل از اخلاق و میزان اخلاقی بودن رفتارها داشت که به پیامدهای دراز مدت آن مشرف بود و بقول کاتوزیان(۱۳۷۹) گذشته و آینده دو بخش از یک حقیقت است. پس، خردمندی در این است که چشمی به گذشته و نگاهی به آینده داشته باشیم تا تمام حقیقت را ببینیم.(کاتوزیان، ۱۳۷۹) بروز رفتار در مواقع گوناگون، تابع کیفیت فهم موقعیت و عملکرد انگیزش‌ها است. از این رو تحلیل مطلوب سلوک بشری بر شناخت تفهم مردم تفسیر حوادث و واکنش‌ها و راه‌هایی که انسان‌ها فکر می‌کنند آنها را بهتر به اهدافشان می‌رساند تمرکز می‌یابد. روانشناسانی که به بررسی این عملکرد شناختی-تفسیری می‌پردازند عمدتاً بر ماهیت عقلانی رفتار بشری تأکید می‌ورزند.(برکوویتز، ۱۳۸۷)

بیشتر بدبختی‌ها، درد و رنج‌های افراد و ملت‌ها از نادانی سر می‌زند و این هم در اثر عدم تزکیه و نداشتن تعلیم و تربیت صحیح است.(میرزاآقاجانی، ۱۳۶۱/۲) از آنجایی که انسان موجودی است اجتماعی، شکوفایی بسیاری از استعدادها و کمالات انسان در گرو همین اجتماعی بودن وی و روابط فیمابین افراد است.(سیفعلی‌ئی، ۱۳۹۴) اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد.(کوئن، ۱۳۸۸) روسک و وارون(۱۳۵۵) در خصوص اهمیت برخی مشکلات فردی که از نظر بعضی‌ها پیش پا افتاده است است گفته‌اند بسیاری از مشکلات فردی را می‌توان فاجعه بشری به حساب آورد چراکه علیرغم اینکه الزاماً در زمره مشکلات اجتماعی نیستند، هنگاهی که عام و شایع بوده تا حد زیادی مولود ساخت‌های غیرعادی نهادهای موجود اجتماعی باشند بار گرانی بر دوش اجتماع بوده و شیوه‌های معلوم برای رفع و دفع آنها مورد غفلت قرار گیرد، بدل به مشکلات اجتماعی می‌گردند.(مساواتی‌آذر، ۱۳۸۳) اخلاق حرفه‌ای که مجموعه‌ای از ارزش‌ها، اصول و هنجارهای راهنمای رفتار مددکار اجتماعی در رویارویی با مُراجعان، جامعه، سازمان‌ها و همکاران، با حفظ کرامت و حرمت شخصیت انسانی آنها است، نه یک فهرست خشک از «بایدها و نبایدها» بلکه نوعی الگوی نظری و عملی است که در هر موقعیت خاص باید به صورت منعطف و متناسب با شرایط به کار گرفته شود. همچنین نه تنها امری آرمانی بلکه ضرورتی عملی و انکارناپذیر است.(اکبری، ۱۴۰۴) لازم به یادآوری است که ارزش‌ها، عبارتند از اصول اخلاقی و در حرفهٔ مددکاری اجتماعی اصول عبارتند از ضوابط عملی.(خاکساری، ۱۳۷۲)

مددکاری اجتماعی یکی از مهم‌ترین حرفه‌هایی است که ارتباط مستقیم با زندگی و مشکلات انسان‌ها داشته با زندگی و کرامت انسان‌ها گره خورده است. گاهی ممکن است مددکار اجتماعی در موقعیت‌هایی قرار گیرد که افراد یا گروه‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی یا روانی دچار بحران شده‌اند و به حمایت نیاز دارند. در چنین شرایطی، وظیفه مددکار بسیار حساس است، زیرا تصمیم‌های او می‌تواند آینده یک فرد یا حتی یک خانواده را تغییر دهد. به همین دلیل اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی اهمیت حیاتی پیدا می‌کند. اما واقعیت این است که در عمل همیشه رعایت اصول اخلاقی -که شرط لازم زیست خردمندانه و تکامل انسان است(پوراکبریان‌نیاز، ۱۳۸۵)- ساده نیست. مددکاران با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند که کار را پیچیده می‌کند و گاهی آنان را در موقعیت‌های دشوار اخلاقی قرار می‌دهد. در این حرفه رعایت اخلاق نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است. با این

حال چالش‌های اخلاقی فراوانی وجود دارد که کار مددکاران را دشوار می‌کند. فشارهای سازمانی، کمبود منابع، تضاد میان محرمانگی و امنیت، روابط عاطفی با مُراجع، فرسودگی شغلی، تضاد قوانین و اصول اخلاقی، فشارهای فرهنگی و اجتماعی و مشکلات مالی تنها بخشی از این چالش‌ها هستند.(میگنا، ۱۳۸۹/۶)

اصطلاح شناسی

لازم است قبل از پرداختن به اصطلاحات و واژه‌های تخصصی یادآوری شود که ضمن ضرورت توجه به هرمنوتیک هر موضوع مطروحه در هر متنی، با لحاظ داشتن این امر که کلیه تعاریف و توصیف‌ها در خصوص هر موضوعی جزو امور اعتباری بوده عاری از حقیقت است، هرگونه تعصب نسبت به آن نشانهٔ سهمی از جهل به جنس موضوع و تفاوت امور حقیقی و اعتباری است. صبور اردوبادی(۱۳۶۲/۵) این موضوع را با ظرافت زیبایی مطرح نموده و یادآور شده که اعتماد و اعتبار بیجا بر توجیهات ناقص و نارسای عالم علم (کلاسیک) بر جهل مرکب فرد افزوده مانع از درک حقایق می‌شود.

اخلاق

«اموری که رفتارهای انسانی را در زندگی فردی و اجتماعی هدایت می‌کنند» اخلاق[۱] نامیده شده‌اند.(موسوی و حسنی، ۱۴۰۰) مصباح یزدی(۱۳۹۴) نیز منظور از آن را «صفات درونی انسان که در درون نهادینه شده و به صورت عادت در آمده است» معرفی نموده است. این واژه، هم خوی‌های نیکو و پسندیده مانند جوان‌مردی و دلیری را شامل می‌شود و هم خوی‌های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را. همچنین در برخی منابع با عبارت «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از آدمی صادر شود» تعریف شده است. به عبارتی اخلاق، هیئتی است استوار و راسخ در جان آدمی که کارها به آسانی و بدون نیاز به تامل و تفکر از آن صادر می‌شود. در عین حال این تعریف هم شامل فضایل اخلاقی می‌شود و هم شامل رذایل اخلاقی؛ از این رو اگر این هیئت به گونه‌ای باشد که افعال زیبا و پسندیده از آن صادر گردد، آن را اخلاق نیک و فضیلت می‌نامند و چنانچه آن هیئت به گونه‌ای باشد که موجب صادر شدن افعالی زشت و ناپسند گردد، اخلاق بد و رذیلت نامیده می‌شود.(دبیری، ۱۳۹۳)

مددکاری اجتماعی

زاهدی اصل(۱۴۰۱) مددکاری اجتماعی[۲] را به دو مفهوم داوطلبانهٔ سازمان نیافتهٔ غیرحرفه‌ای و تخصصی سازمان‌یافته تقسیم می‌کند که شکل داوطلبانه آن پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر داشته شق تخصصی از انقلاب صنعتی به بعد شروع شده است. تعریفی که در سال ۱۳۶۱ طی نخستین سمینار مددکاری اجتماعی ارائه شد عبارت است از حرفه‌ای مبتنی بر استعدادها، مهارت‌ها و دانش‌های خاص، به منظور فراهم آوردن شرایط مادی و معنوی برای افراد و اقشار نیازمند جامعه، به گونه‌ای که در جهت شناخت و رفع مشکل خود برانگیخته شوند. نامبرده ضمن شرح و تفسیر تعریف فوق در کتاب «مبانی مددکاری اجتماعی» آن را به پنج شاخه تقسیم نموده است: فردی (کار با فرد)؛ اجتماعی گروهی (کار با گروه)؛ اجتماعی جامعه‌ای (کار با جامعه)؛ امور اداری در خدمات اجتماعی؛ و تحقیقات اجتماعی. البته وقتی صحبت از احتیاج یا نیاز می‌شود لزوماً و صرفاً بعد مادی آن منظور نبوده بعد مهم‌تر و اساسی‌تری نیز

[۱] Ethics
[۲] Social Work

وجود دارد که صبور اردوبادی(۱۳٦۱) در این خصوص توضیح لازم را بدین شرح داده است: «دایرۀ احتیاجات بشر تنها به مادیات و وسایل و عوامل ظاهری منتهی و محدود نبوده به موازات آن، انواع احتیاجات روحی و معنوی نیز در زندگی وجود دارد که خواه ناخواه مورد توجه قرار گرفته و انسان بطور ناخودآگاه در رفع این احتیاجات در تلاش و کوشش است».

مددکار اجتماعی

مددکار اجتماعی شخصی است دارای تجارب زندگی، نیازهای بشری، و روش زندگی شخصی، نظام ارزشی، مهارت ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر، توسعه روابط و آمادگی همکاری با مجموعه‌های امدادرسانی چند شخصیتی(جانسون، ۱۳۹۰) که با بهره‌گیری از توان علمی-حرفه ای خویش سعی دارد تا انسان‌ها نسبت به موقعیت و شرایط خود بینش روشنی پیدا کنند، ابتدا آن را به عنوان یک واقعیت بپذیرندو سپس برای تغییر ذر آن تلاش کنند. در واقع مددکار اجتماعی به افراد، گروهها و جوامع کمک می کند تا بهترین راه را برای پیشرفت رضایتبخش خویش به دست آورند با محیط سازگار و هماهنگ شوند و از زندگی خویش لذت ببرند بدون آنکه بالاجبار تسلیم محیط پیرامون خود شوند.(قندی، ۱۳٤۷) و (زاهدی اصل، ۱٤۰۱)

مددکاران اجتماعی می‌توانند در بهبود و ارتقای کیفیت زندگی همۀ افراد جامعه به ویژه اقشار آسیب پذیر که هدف اصلی خدمات اجتماعی و مددکاری اجتماعی می باشد نقش مؤثر و کارآمدی داشته باشند.(آنراو و گرینل، ۱۳۸۹) آنها می‌خواهند در حد توان، پایه‌های پل دوستی ملت‌ها را محکم کنند و به جوامع بیاموزند که چگونه در کنار هم با مسالمت زندگی کنند و هر آنچه که در جامعه وجود دارد حق همه باشد چون خداوند انسان‌ها را یکسان آفریده پس مددکاران اجتماعی قصد دارند به مردم نشان دهند چگونه می‌توان ملتی پیشرفته، آگاه و متمدن بود.(رنجبر، ۱۳۹۰) به نظر شوارتز تکلیف شغلی مددکار اجتماعی عبارت است از میانجی‌گری در فرایندی که از طریق آن فرد و جامعه از طریق رفع نیاز متقابل به خودشکوفایی و غنا می‌رسند.(کامپتون و گالاوی، ۱۳۸۲)

مددجو

عبارت است از فرد، خانواده، گروه یا جامعه که به دلایلی نیازمند خدمات حرفه‌ای مددکار اجتماعی است. مددجو به مفهوم عام شامل هر پدیده‌ای است که در مقابل مددکار قرار می‌گیرد؛ اعم از یک انسان نیازمند، مجموعه‌ای از انسان‌ها، یک معضل اجتماعی یا یک طرح تحقیقاتی؛ و به مفهوم خاص همان برداشتی است که از اصطلاح «مورد» استنباط می‌شود.(زاهدی اصل، ۱٤۰۱) واژه مددجو نه تنها به معنی دریافت کنندۀ خدمات است بلکه یک فرد طرف مذاکره و معاملۀ فعال در زمینۀ خدمات و مقاصد مراقبت‌ها می‌باشد.(حیدری، ۱۳۸٤)

رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی[1] به وضعیتی مطلوب در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اشاره دارد و هدف آن حفظ کرامت انسان و ارتقای توانایی‌های شهروندان است. بر همین اساس نظام رفاهی مجموعه‌ای سازمان‌یافته از قوانین و خدمات است که برای پاسخ به نیازهای مادی و معنوی افراد به کار گرفته می‌شود. مهم‌ترین اقدام در برقراری رفاه اجتماعی، بررسی چگونگی تأمین سعادت و بهزیستی همگانی است. برقراری پیوندهای اجتماعی موثر و ایجاد حس تعلق به جامعه، بخش مهمی از این مفهوم را تشکیل می‌دهد. علاوه بر

[1] Social Welfare

این، رفاه اجتماعی می‌تواند قدرت خرید مردم را افزایش داده و به بهبود بهره‌وری اقتصادی کشور کمک کند. رفاه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی را در جامعه نشان می‌دهد. دولت‌ها با ارائه خدمات سازمان‌یافته، امنیت و آرامش شهروندان را تضمین می‌کنند و با پاسخ به نیازهای مادی و معنوی، بستر لازم برای تعالی انسان را فراهم می‌سازند. دستیابی به توسعه پایدار وابسته به اجرای دقیق و کارآمد سیاست‌های رفاهی است و برنامه‌های موفق می‌توانند میزان فقر را کاهش داده و فرصت‌های برابر برای همه فراهم کنند. نظام‌های سلامت و بیمه‌های همگانی نقش کلیدی در پایداری، شادی و ارتقای کیفیت زندگی مردم دارند. تحقق این اهداف، مسئولیت‌پذیری جمعی را تقویت کرده و کرامت انسانی را ارتقا می‌دهد و در نهایت هماهنگی میان نهادهای دولتی و مردمی موفقیت این نظام را تضمین می‌کند.(رشنو، ۱٤۰٤) رفاه اجتماعی ضرورتی است برای حمایت از افراد در قبال فقر و تحولات ناگوار حیات اقتصادی. حوادث ناگوار ممکن است برای هر کسی رخ دهد و ما به عنوان یک شهروند موظفیم که از همدیگر حمایت کنیم.(باری، ۱۳۹۰) مشکلات رفاه اجتماعی ناشی از ابهام در زیربنای توجیهات اخلاقی و سیاسی برای علت وجودی آن است.(اقلیما و عادلیان، ۱۳۸۸) سیاست‌های رفاهی راهی است برای مدیریت و کنترل بیم و خطرهایی مانند بیماری، معلولیت، بیکاری، پیری و ... که مردم در طول دورهٔ زندگی خود با آن رویارو می‌شوند.(گیدنز و بردسال، ۱۳۸۹)

رفاه اجتماعی[۱] و سیاست‌های رفاهی از جمله تکالیف اصلی حکومت‌ها است. رفاه اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین عنصر توسعه و توسعهٔ انسانی-اجتماعی در ابعاد عینی و ذهنی (مادی و معنوی) مقولاتی را مطرح می‌سازد که میزان و چگونگی آنها تعیین کنندهٔ سطح توسعه یافتگی کشورها است. فقر و گرسنگی یک پدیدهٔ غیرطبیعی است چراکه با تقسیم عادلانهٔ ثروت‌ها و نعمت‌های موجود میان آحاد جامعه، فقیر و گرسنه‌ای پیدا نمی‌شود. این سیاست‌های استعماری است که مشکل فقر و گرسنگی را به ملل تحت استعمار تحمیل می‌کند.(زاهدی اصل، ۱۳۸۸) طبق گزارش برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل[۲] صلح جهانی در گرو امنیت مردم در زندگی روزمره است و امنیت در توسعه است نه در اسلحه و ترس از امنیت شغلی، درآمدی، سلامتی، زیست‌محیطی و مانند آن.(سپهری، ۱۳۸۵) صبور اردوبادی(۱۳٦٦) ضمن اشاره به سقوط و محو شدن آثار انسانیت در غرب، روی آوردن افراطی برخی افراد به سگ، گربه و سایر حیوانات خانگی و جایگزینی آن به جای تعلقات خاطر به انسانها تا جایی که همنشینی با حیوانات را به هرگونه ارتباط سالم با انسانها ترجیح می‌دهند از نشانه‌های بیماری روانی می‌داند. رفاه اجتماعی اگر منجر به درمان امراض روحی و روانی شهروندان نشود ناقص یا مکانیسم اجرایی و تأمین آن معیوب است. بدیهی است حکومت‌هایی که بجای تأمین رفاه اجتماعی لازم و مدیریت امور در آن مسیر، در جهت بقای خود از اعدام تدریجی شهروندان نیز ابایی نداشته باشند فاقد هرگونه صلاحیت لازم بوده اهمیت حضور جدی و مسئولیت‌پذیری مددکاران اجتماعی در چنان جوامعی اظهر من‌الشمس است. کالشد و همکاران(۱۳۹۲) این اصل را به زبان دیگر به اختصار این گونه بیان داشته اند: «هدف مدیریت شایسته بقای خویشتن با استبداد ظالمانه نیست بلکه تحقق آرمان و هدف‌های سازمان است. جا دارد حکام ستمگر به این نصیحت حکیمانهٔ کارنگی(۱۳٦۸) از زبان شکسپیر نیز توجه داشته باشند: «کوره را برای دشمنان خود آنقدر نگداز که گرمای آن خودت را نیز بسوزاند».

[۱] Social Welfare
[۲] United Nation Development Program (U.N.D.P.)

ابعاد رفاه اجتماعی

رفاه اجتماعی مفهومی چندبعدی است که کارشناسان برای تحلیل و بهبود وضعیت زندگی انسان‌ها، آن را به بخش‌های مختلف از جمله زیستی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم می‌کنند. هدف از این تقسیم‌بندی، بررسی دقیق‌تر نیازهای زیستی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی افراد و همچنین شناسایی حوزه‌هایی است که دولت و نهادهای اجتماعی می‌توانند در آنها نقش موثری ایفا کنند. علاوه بر این، توجه به ابعاد عاطفی، جسمی و شغلی زندگی افراد نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی تنها محدود به درآمد و خدمات مادی نیست و جنبه‌های روانی، حرفه‌ای و ارتباطی انسان‌ها نیز اهمیت دارند.(رشنو، ۱٤۰٤)

مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی یک حرفه تخصصی و میان رشته‌ای است که هدف اصلی آن ارتقای کیفیت زندگی افراد، خانواده ها، گروه‌ها و جوامع، از طریق توانمندسازی، حمایت، و ایجاد تغییرات مثبت در شرایط اجتماعی و فردی است. این حرفه پلی میان فرد و منابع حمایتی جامعه است، به گونه ای که فرد نه تنها از بحران عبور کند، بلکه به توانایی‌های پایدار برای مدیریت زندگی خود دست یابد.(رام‌برزینی، ۱٤۰٤/٦) برخی معتقدند که مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که تأکید بر توجه و مراقبت در جهت توسعه و رشد منابع درونی و بیرونی افراد دارد.(اقلیما و عادلیان، ۱۳۸۸) مددکاری اجتماعی به عنوان پلی میان کجروان و جامعه از یک طرف با کنترل عوامل مؤثر از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری می‌کند و از دیگر سو مسئولیت قابل توجه و سهم مؤثری در بازپروری و اصلاح منحرفین و کجروان اجتماعی به ویژه گروه‌های جوان و نوجوان دارد.(زاهدی اصل، ۱۴۰۱) نظریهٔ مددکاری اجتماعی یک سازه است که مستمراً در تعامل با دنیای واقعی از روابط و مناسبات اجتماعی است که یک مددکار حین فعالیت حرفه‌ای خود باید آن را تطابق و گسترش بدهد.(پین، ۱۳۹۱)

مددکاری اجتماعی مثل درختی است که ریشهٔ آن ارزش‌های اساسی است و ساقه و شاخه‌های آن اصول مددکاری اجتماعی. لذا مددکاری اجتماعی بدون توجه به ارزش‌های اساسی معنی ندارد.(زاهدی اصل،۱۴۰۱) که در آن، ارزش‌ها، عبارتند از اصول اخلاقی و اصول عبارتند از ضوابط عملی در حرفهٔ مددکاری.(خاکساری، ۱۳۷۲) مددکاری اجتماعی، به عنوان یک حرفه مبتنی بر ارزش‌ها و عمل، در مواجهه با پیچیدگی‌های جهانی نظیر بحران‌های زیست‌محیطی، پیشرفت‌های شتابان فناوری و نابرابری‌های ساختاری، در حال تجربهٔ یک بازنگری عمیق پارادایمی است. این تحولات، حوزهٔ عمل مددکاران را از تمرکز صرفاً فردی به سمت رویکردهای نظام‌مند، زیست‌محیطی و عادلانه گسترش داده‌اند. چهار تحولِ پارادایمیِ الف) مددکاری اجتماعی زیست‌محیطی[۱]؛ ب) مددکاری اجتماعی دیجیتال و هوش مصنوعی[۲]؛ ج) تغییر در روش‌شناسی: گذار از سطح خرد به کلان؛ د) استانداردهای جهانی و استعمارزدایی[۳]، مجموعاً نشان‌دهنده یک حرفهٔ مددکاری اجتماعی هستند که در حال بلوغ است؛ حرفه‌ای که برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی، استفاده مسئولانه از فناوری، و رسیدگی به نابرابری‌های ساختاری، به سوی یک رویکرد جامع‌تر، انتقادی‌تر و ریشه‌ای‌تر حرکت می‌کند. (مددکارنیوز،۱۴۰۴) مددکاری اجتماعی وقتی می‌تواند توانمند کننده باشد که بجای تمرکز بر انطباق افراد با ساختارهای موجود، به چالش با زمینه‌های ساختاری بپردازد.(لولین، ایگیو و مرگر، ۱۳۹۰)

---

[۱] Eco-Social Work
[۲] AI
[۳] Decolonization

اهداف مددکاری اجتماعی

هدف کلی مددکاری اجتماعی، ارتقای رفاه انسانی و عدالت اجتماعی است. مددکاران اجتماعی می‌کوشند تا موانع موجود در مسیر رشد افراد و جوامع را شناسایی و رفع کنند. این موانع ممکن است اقتصادی، فرهنگی، روانی یا اجتماعی باشند. مددکاری اجتماعی با هدف کمک به افراد برای دست‌یابی به استقلال، توانمندی، خودکفایی و رشد فعالیت می‌کند. در کنار هدف کلی، مددکاری اجتماعی دارای اهداف اختصاصی و جزئی نیز هست؛ از جمله: یاری به افراد در سازگاری با محیط اجتماعی؛ پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی؛ توانمندسازی فردی و اجتماعی؛ تحقق عدالت اجتماعی و برابری؛ و بهبود کیفیت زندگی و ایجاد احساس رضایت، امید و آرامش در میان افراد جامعه.(رامبرزینی، ۱۴۰۴/۸) اهداف مددکاری اجتماعی به عنوان یکی از عالی‌ترین و پرارج‌ترین آرمان‌های انسان برای رفاه بشریت تابع پارامترهای مختلفی بوده برای هر مددجوی خاص منتج از تشخیص واقعی مشکل و وسایل و طرق درونی و بیرونی حل مشکل است.(هریس پرلمن، ۱۳۵۳)

قلمرو مددکاری اجتماعی

دامنهٔ فعالیت مددکاری اجتماعی عرصهٔ وسیع و گستردهٔ جوامع انسانی است، ولی چنانچه می‌دانیم این دامنهٔ فعالیتی از جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر، از منطقه‌ای به منطقهٔ دیگر، از زمانی به زمان دیگر، از فرهنگی به فرهنگ دیگر، از جهان بینی به جهان بینی دیگر متفاوت است. برخی از موارد قلمرو مددکاری اجتماعی عبارتند از: نهادهای اجتماعی از جمله خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد و غیره؛ جنبشها و انقلابات اجتماعی؛ آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی؛ مناسبات بین فرد و جامعه؛ جوامع شهری و روستایی و پدیده‌هایی چون مهاجرت، حاشیه نشینی، کوچ نشینی؛ صنعت و تکنولوژی، روابط کار؛ اوقات فراغت؛ حوادث و سوانح طبیعی و غیر طبیعی؛ روابط متقابل بخش‌های مختلف جامعه به ویژه جوامع صنعتی و سنتی؛ فرهنگ، نظام ارزشی، تمدن و...؛ سازمان‌های خدمات اجتماعی.(پورنجف، ۱۳۹۴)

اصول و مبانی مددکاری اجتماعی

الگو، چکیدهٔ واقعیت است. در بافت حرفه‌ای الگوهای عملی بر اساس فرضیات و اصولی ساخته شدند که فلسفهٔ بنیادی حرفه هستند الگوی مددکاری اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نبوده مبنای فلسفی آن، ایدئالها و باورهای مددکاران اجتماعی است.(مینگ، ۱۳۹۰) اقلیما و راهب(۱۳۸۹) در قسمتی از کتاب مددکاری فردی تحت عنوان اصول و ارزش‌های اساسی در مددکاری ضمن اشاره به ایدئولوژی و ارزش بعنوان پایه‌های حرفهٔ مددکاری اجتماعی، به تفاوت اصول اخلاقی و ارزش‌ها پرداخته اند: «ارزش‌ها به چیزی مربوط می‌شوند که خوب و مطلوب است در حالی که اخلاقیات ناظر بر امور درست، به حق و صحیح است. اصول اخلاقی از ارزش ها استنتاج می‌شود و باید با آنها سازگار باشد». وی اصول اخلاقی مددکاری اجتماعی را در احترام گذاشتن و قبول مقام انسانی و نیز اعتقاد به برابری انسان‌ها خلاصه کرده؛ و اصول و ارزش‌های عمومی مددکاری را در نُه پارامتر اساسی معرفی می‌نماید: فردیت؛ پذیرش؛ ایجاد رابطهٔ حرفه‌ای؛ رازداری حرفه‌ای؛ اصل شرکت فرد در فعالیت‌ها و خود تصمیم‌گیری، خودمختاری، خودرهبری؛ خودشناسی مددکار؛ کنترل احساسات مددکار؛ احترام به احساسات مددجو؛ و عدم پیش‌داوری. از نظر خاکساری(۱۳۷۲) ارزش‌ها، عبارتند از اصول اخلاقی و اصول عبارتند از ضوابط عملی در حرفهٔ مددکاری. ظهور بحران‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های فزاینده اقتصادی در نظام‌های نئولیبرال، و شکاف‌های نسلی در عصر دیجیتال، مددکاران را موظف ساخته است تا از رویکردهای کلاسیک فاصله گرفته و به سمت پارادایمی حرکت کنند که بر توانمندسازی، شواهدمحوری و عدالت ساختاری تأکید دارد. اصول ده

گانه مددکاری اجتماعی نوین، چارچوبی نظری و عملی را فراهم می‌آورند که مبنای آموزش، پژوهش و عمل حرفه‌ای در سراسر جهان است. این اصول عبارتند از: توانمندسازی و استقلال حرفه‌ای مراجع؛ کرامت انسانی و مبانی حقوق بشر؛ مشارکت فعال و هم‌آفرینی در فرآیند تغییر؛ شواهدمحوری و تکیه بر دانش علمی؛ رویکرد نظام‌مند و بوم‌شناختی؛ عدالت اجتماعی و مبارزه با ساختارهای نابرابر؛ اصل هفتم: همکاری‌های میان‌رشته‌ای و تیمی؛ تمرکز بر پیشگیری و شناسایی استعدادها؛ حساسیت فرهنگی و بومی‌سازی مداخلات؛ و ارزیابی مستمر و پاسخ‌گویی حرفه‌ای.(مددکاری اجتماعی ایرانیان، ۱۴۰۴)

ارزش‌های اساسی در مددکاری اجتماعی

همه حرفه ها با مبانی ارزشی متمایزی مواجهند که زیربنای تعریف هدفها و راهنمای اقدامات اعضای آنهاست. ارزش‌ها به اصول تعیین کننده آنچه خوب است اشاره دارد در حالی که اخلاقیات به اصول مربوط به آنچه درست و حق است گفته می‌شود. یا به قوانینی که مددکاران اجتماعی برای اجرای ارزشها باید از آنها تبعیت کنند.(والش، ۱۳۹۳) و) Dolgoff, Loewenberg & (Harrington, ۲۰۰۵ زاهدی اصل(۱۴۰۱) چهار باور حرفه‌ایِ حرمت مقام انسان؛ اختیار و آزادی انسان (خودتصمیم‌گیری)؛ برابری انسان‌ها در برخورداری از حقوق مادی و معنوی؛ و مسئولیت فردی و اجتماعی را به عنوان ارزش‌های اساسی در مددکاری اجتماعی می‌پذیرد. افراد ممکن است در نقش‌های مختلف خود از مجموعه ارزش‌هایی (اعم از شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای) تبعیت کنند که عموماً با هم سازگارند اما گاهی هم یکدیگر را نقض می‌کنند.(والش، ۱۳۹۳)

مراحل فرایند مددکاری

فرایند مددکاری در طی دو بخش برقراری رابطه و ایجاد عملکرد مثبت انجام می‌گیرد. برقراری رابطه شامل چهار مرحلهٔ شروع، توضیح، توافق و برقراری رابطه است. بخش ایجاد عملکرد مثبت نیز چهار مرحله دارد: کشف و شناسایی، تثبیت، برنامه‌ریزی، و بالاخره خاتمه.(برامر، ۱۳۹۲) برخی همکاران فرایند مددکاری را به ترتیب طی مراحل مطالعه یا جمع‌آوری اطلاعات؛ تشخیص؛ تدوین برنامه کمکی؛ اجرای برنامه‌های کمکی؛ ارزیابی برنامه‌ها؛ و پیگیری پس از ترخیص توصیف کرده‌اند.(موسوی چلک، ۱۳۹۰) مؤسسه‌های مددکاری جامعه‌ای باید بر گزارش‌نویسی که رابطه نزدیکی با ارزیابی دارد تأکید زیادی داشته باشند. حتی اگر مؤسسه هم اهمیت ندهد خود مددکاران باید کارهایشان اعم از کارهایی که قصد انجام دارند، کارهای انجام شده، آنچه واقعاً انجام شده، نظریاتی که دربارهٔ آنها دارند و برنامه‌های آتی خود را با دقت ثبت کنند تا ضمن ارزیابی و طرح‌ریزی برنامه‌های بعدی، مستندسازی وقایع اتفاقیه نیز انجام شده باشد.(توئلوتریز، ۱۳۹۱)

تغییر پارادایم در مددکاری اجتماعی جهان

در سال‌های اخیر، حرفه مددکاری اجتماعی تحت تأثیر تحولات شتابان تکنولوژیک، دگرگونی‌های اقلیمی و بحران‌های نوظهور اقتصادی-اجتماعی دستخوش تغییرات بنیادین شده است. نهادهای بین‌المللی از جمله فدراسیون بین‌المللی مددکاران اجتماعی[۱] و انجمن بین‌المللی مدارس مددکاری اجتماعی[۲]، بیش از هر زمان دیگری بر رویکردهای تاب‌آور، عدالت‌محور و نوآورانه تأکید دارند.

[۱] IFSW
[۲] IASSW

امروزه انقلاب هوش مصنوعی و مددکاری اجتماعی دیجیتال[۱]؛ خیزش «مددکاری اجتماعی سبز» و پاسخ به بحران‌های اقلیمی[۲]؛ تمرکز بر سلامت روان و مقابله با سندرم فرسودگی شغلی مددکاران؛ مداخله در بحران‌های بین‌المللی و مهاجرت مبتنی بر ترومای آگاهانه[۳]، و اولویت‌های استراتژیک فدراسیون بین‌المللی مددکاران اجتماعی از جمله مهم‌ترین محورهای تحول‌ساز در حوزه مددکاری اجتماعی است. مددکاری اجتماعی در سطح جهان دیگر تنها یک حرفه حمایتی محدود نیست؛ بلکه به دانش و مهارت پیچیده‌ای تبدیل شده که در تقاطع فناوری، عدالت اجتماعی، سلامت روان و پایداری محیط‌زیستی قرار دارد. کشورها و سازمان‌هایی در ارائه رفاه اجتماعی موفق‌تر خواهند بود که بتوانند همگام با این تحولات جهانی، زیرساخت‌های آموزشی و اجرایی خود را به‌روزرسانی کنند.(گروه بین الملل، ۱۴۰۵)

اخلاق

حسینی بهشتی(۱۳۶۰) میزان انسانیت افراد را متأثر از نقش اخلاق در زندگی دانسته معتقد است. اساس در زندگی عبارت است از اخلاق و البته توضیح می‌دهد که اهمیت دادن به اخلاق منافاتی با نقش اقتصاد نداشته فقط باید متوجه باشیم که اخلاق زیربنا و اقتصاد روبناست. اخلاق درونی آدمی از اخلاق بیرون او هویداست و اخلاق بیرون مظهر اسرار درونی انسان است.(میرزاآقاجانی، ۱۳٦۱/۱) به عبارتی رنگ رخسار نشان می‌دهد از سر درون. اخلاق به اخلاق فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. برخی از خوی‌های اخلاقی مانند صبر و شجاعت، تنها جنبهٔ فردی دارند و بدون درنظرگرفتن اجتماع، مطرح‌اند. به این‌گونه از خوی‌ها، اخلاق فردی می‌گویند. برخی دیگر از آنها مثل تواضع و ایثار، در رابطهٔ فرد با انسان‌های دیگر، شکل می‌گیرند؛ به‌گونه‌ای که اگر یک انسان، تنها زندگی کند، برای او مطرح نخواهند بود. به این خوی‌ها اخلاق اجتماعی گفته می‌شود.(مکارم شیرازی، ۱۳۸۷) استارک و سیمز بینبریج (۱۴۰۱) در کتاب «دین،کجروی و کنترل اجتماعی) ضمن توضیح لازم و کافی بر تأثیرپذیری نظم اخلاقی از دین تأکید دارند. علیرغم اینکه کلیهٔ قوانین، برای حاکمیت و اجرای اخلاقیات وضع شده‌اند، متأسفانه همهٔ آنها اخلاقی نیستند. زیرا قوانین از سوی حاکمان و توسط کارگزاران ایشان تدوین شده‌اند، یعنی همیشه سود و نیک‌زیستی اکثریت در آن دیده نشده است.(فرهود، ۱۴۰۰) به تعبیر فوکویاما اگر افراد تنها بر گرایش نفع فردی (معقول) عمل کنند آنگاه چیزهای سرنوشت‌ساز دیگری چون تهور و سرزندگی، از خود گذشتگی، نیکوکاری یا هرگونه فضایل دیگر را که به جامعه قابلیت زیست و بقاء و تکامل تاریخی می‌دهد در میان نخواهد بود.(کارنیل، ۱۴۰۵)

کانت برجسته دانشمند اخلاقی بعد از رنسانس در اروپا در دستور اخلاقی خود به مردم می‌گوید: «طوری رفتار کنید که منش کار شما مبنای قانون‌گذاری جهانی باشد.»؛ در اعتبار اخلاق همین کافی که یکی از شعارهای محوری پیامبر اسلام این بوده که: «تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی بر انگیخته شده ام.»(شاملو، ۱۳۹۹) هر فردی پتانسیلی برای اصلاح خود در زندگی دارد که مستلزم مساعدت محیط است جهت فعالسازی و رشد آن پتانسیل. همواره به سازماندهی جامعه‌ای و فلسفه آن با سوء ظن نگاه می‌شود چرا که اکثراً به منابع سیاسی-اجتماعی؛ ظلم، فشار و تعدی ختم می‌گردد.(اقلیما و عادلیان، ۱۳۸۸) احمدی ابهری(۱۳۷٦) از قول کانت ارزش حیات انسانی را منوط به برقراری عدالت و صداقت می‌داند. یکی از صفات و خلقیات افراد ضعیف النفس، وادادگی و احساس

[۱] Digital Social Work
[۲] Eco-Social Work
[۳] Trauma-Informed Care

حقارت در برابر افراد فاقد وجاهت مقتضی حس مربوطه است. بعنوان مثال عدم استقبال برخی جاهلان از زبان و فرهنگ مادری و جایگزینی فرهنگ و زبان التقاطی که بدون هرگونه توجیه یا ضرورت منطقی از سایر فرهنگها به فرهنگ و زبان خود وارد و بجای استفاده از واژه های زیبا و متناسب با زبان مادری از اصطلاحات زبانهای بیگانه و غیرمادری استفاده می‌کنند. صبور اردوبادی(۱۳۶۱) در خصوص پرهیز فرهیختگان ملل شرق از پیروی بیمورد و استفاده از مصنوعات وارداتی زائد و فاقد توجیه منطقی غربیان نقل می‌نماید که پس از ارائه ادله و مستندات و توجیهات ایشان، پروفسور کورتل از ابهام و تعجب درآمده و به ملل شرق در این خصوص حق داده بودند.

آیا با یک گل بهار می‌شود؟

گاهی دیده می‌شود برخی در پاسخ پرسش از علت امتناع در خصوص خدمتی که در حق دیگران از دستشان بر می‌آید به عدم تناسب کمّی تقاضای خدمت و مددکاران، خادمان یا کارگزاران مربوطه (و اشاره به این بهانه که با یک گل بهار نمی‌شود) و برنامه‌های عملی بهتری که بایستی توسط دیگران اعم از حکومت و سازمان‌های مشخصی اشاره می‌کنند، حال آنکه اولاً ایشان با امتناع از رفتار مثبت و شایسته ممکن، در واقع به خودشان خیانت کرده مانع رشد و ارتقای مرتبهٔ وجودی خود می‌شوند ثانیاً با تعمیم و تکثیر طرز فکر و رفتار ایشان به کل جامعه تفاوت اثرات دو طرز فکر و رفتار مشخص عامل و خوددار مشخص می‌شود. علی شریعتی قیام امام سوم اهل تشیع را در نهایت زیبایی، یک حرکت اجتماعی از نوع خاص معرفی می‌کند که گرچه در داخل خودش از نظر تغییر ساختار فعلی امیدی به پیروزی نیست اما به لحاظ انجام وظیفهٔ اجتماعی، بت‌شکنی و سدشکنی کرده و راه را برای اصلاحات اجتماعی باز می‌کند.(غفاری، ۱۳۹۳) آن امام نازنین عالی‌ترین مرتبهٔ رفتار اخلاقی را به جهانیان نشان دادند.

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید تو چراغ خود بیفروز تو یکی نه ای هزاری

اخلاق حرفه‌ای

اخلاق حرفه‌ای بخش بنیادین اقدامات مددکاری اجتماعی در ارائه خدمات اجتماعی می‌باشد.(قرائت، رضایی و بیدی، ۱۳۹۶) این موضوع یک پروژه نیست بلکه یک پروسه و فرآیندسازی را طلب می‌نماید.(خانلری کوچکسرایی و سنایی، ۱۴۰۱) درک اخلاق حرفه‌ای مستلزم آشنایی با مبانی و اصول و ارزش‌های مربوطه است.(اکبری، ۱۴۰۴) ارزش‌ها، عبارتند از اصول اخلاقی و اصول عبارتند از ضوابط عملی در حرفهٔ مددکاری.(خاکساری، ۱۳۷۲) اخلاقی بودن یک سازمان اعم از نظام مدیریتی کلان جامعه و هر مجموعه انسانی، در واقع، به سبک خاصی از زندگی آن سازمان اشاره دارد. اخلاقی بودن هرگز به مجموعه باورهای اخلاقی که در منشور اخلاقی سازمان آمده محدود نمی‌شود بلکه نهادی اخلاقی است که زندگی آن و سبک تعامل آن با محیط و حیات گروهی اعضای آن در همه لحظه‌ها، اخلاقی باشد. اخلاق‌ورزی مجموعه می‌تواند دو منشأ داشته باشد: درونی و بیرونی. گاه در رفتار اخلاقی، تحقق ارزش‌های اصیل اخلاقی هدف قرار می‌گیرد. سازمان صرفا به دلیل ارزش اصیل عدالت، از تبعیض می‌گریزد. به دلیل حرمت انسان وارد حریم شخصی نمی‌شود و. . . . در این حالت مجموعه حقیقتاً از حیات اخلاقی برخوردار می‌شود. اما گاه جهت‌گیری ترویج اخلاق به سوی اهداف بیرونی است و تلقی از اخلاق ابزارانگارانه است، یعنی ارزش‌های اخلاقی صرفا به عنوان ابزاری برای سود بیشتر یا اعتماد ژرف‌تر استفاده می‌شود. اخلاق اصیل و اخلاق‌ورزی درونی است که از هر سازمانی مورد انتظار و تحقق آن مزیت راهبردی است. اخلاق حرفه‌ای چیزی جز رعایت حقوق مردم در کسب و کار نیست و مهمترین حق مردم احترام اصیل و نامشروط آنهاست.

احکام اخلاقی، ملاک‌های اخلاق، نسبت اخلاق و قانون، اخلاق در ورطه عمل، همچنین موانع رشد اخلاق حرفه‌ای از جمله فقدان نگرش راهبردی به اخلاق حرفه‌ای، تحویلی نگری، فرافکنی، مشتری مداری ابزار انگار و نه اصیل، فقدان انگیزش، نارضایتی شغلی، فقدان مهارت تصمیم‌گیری، بلاتکلیفی یا تعارضات اخلاقی، فقدان نظام‌های جامع و اخلاقی، موانع فیزیکی و روانی محیط کار، لقمه انگاری بجای امانت انگاری و موارد بسیاری از این قبیل از جمله موضوعات چالشی اخلاق حرفه‌ای است.(کارنیل، ۱۴۰۵)

والش(۱۳۹۳) معتقد است که اخلاق حرفه‌ای به تعهدات مددکاران اجتماعی در روابطشان با دیگران از جمله مراجعان، همکاران، و سایر افرادی که حین کار با آنها مواجهند اشاره دارد. اخلاق حرفه‌ای متضمن کاربرد اخلاق در یک حرفه در به انجام رساندن رسالت‌ها و مسئولیت‌های آن در برابر جامعه و تمرکز آن بر فعالیت‌ها و اعمال انسانهاست و هدف مشخص آن تنظیم نمودن فعالیت‌های حرفه‌ای اعم از تکالیف، وظایف، و مسئولیت‌ها در راستای رفاه و بهزیستی عموم جامعه می‌باشد.(قرائت، رضایی و بیدی، ۱۳۹۶) یکی از شرایط حرفه‌ای بودن هر رشته پایبندی فرد به اصول اخلاقی مخصوص حرفه است. میزان توسعه و رشد اخلاق حرفه‌ای بستگی به میزان کارکرد موفق و قابلیت تغییرپذیری آن دارد. هر قدر رعایت اخلاق حرفه‌ای فراگیرتر باشد، میزان تعهد به اصول آن از درجه بالاتری برخوردار است و هرقدر محدودیت‌های اعمال شده ناشی از اصول اخلاق حرفه‌ای منطقی‌تر و در رشد سازمان موثرتر باشد، پایبندی به آن محکم تر خواهد بود. نتایج برخی از پژوهشی حاکی از آن است هرگونه بهبود در اخلاق حرفه‌ای می‌تواند با بهبود در پیامدهای آن، یعنی مسئولیت اجتماعی و پاسخگویی فردی همراه باشد.(خفتان، ۱۳۹۵)

نظام‌نامه‌های اخلاقی و چارچوب‌های قانونی

در حرفه مددکاری اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای با لحاظ داشتن ضوابط و استانداردهای اخلاقی نقش بسیار مهمی‌در قضاوت‌ها و عملکرد حرفه‌ای دارا می‌باشد. لذا وجود استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی متناسب با فرهنگ جامعه مربوطه و هنجارهای ملی ضرورت دارد.(قرائت، رضایی و بیدی، ۱۳۹۶) امروزه پنج نظام عمده اخلاقی در بیان اخلاق حرفه‌ای وجود دارد که ملاک مقبولیت آنها توانایی در بیان نظام‌مند فضائل و رذائل اخلاقی و ارائه نظام سازگار، فراگیر و کارآمد است: نظام فایده‌گرا (سودانگاری)، نظام وظیفه‌گرا، نظام عدالت‌گرا، نظام آزادی‌گرا، و نظام خیرگرا (دینی). (کارنیل، ۱۴۰۵) الزامات، ضوابط، استانداردها، نظام‌نامه‌ها و کدهای اخلاقی و سایر چارچوب‌های قانونی، جهت تأکید بر اصول اخلاقی، ارزش قائل شدن برای کرامت انسانی و احترام گذاشتن به مُراجع و رعایت حقوق و تکریم جایگاه او به عنوان یک شخصیّت انسانی، انسجام روند ارتقای سطح سلامت مُراجعان و حمایت از متخصصان و پیشگیری از تضییع حقوق افراد به وجود آمده‌اند. این قوانین به عنوان راهنما و راهگشای چالش‌های اخلاقی و حرفه‌ای هستند که ممکن است مددکاران اجتماعی در طول زندگی حرفه‌ای خود دائماً با آنها مواجه شوند. مددکاران اجتماعی و درمانگران در صورت برخورد با دوراهی های اخلاقی، برای دریافت راهنمایی می‌توانند به این نظام نامه‌ها مُراجعه کنند.(فرقانی و قادری، ۱۳۹۵) ضرورت پرداختن به جنبه‌های دقیق اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی باعث تدوین و چاپ سندی در سال ۱۳۹۲ با اهتمام کمیته تدوین استاندارد انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران شد که به جای توصیه‌های کلی، حد و مرزها در تصمیم- گیری‌های اخلاقی در مددکاری اجتماعی با جزئیات مورد توجه قرار گرفت که با الگوی بین‌المللی خود تطابق دارد(خفتان، ۱۳۹۵)

درک اخلاق حرفه‌ای مستلزم آشنایی با مبانی و اصول و ارزش‌های مربوطه است که معمولاً در قالب کدهای اخلاق مددکاری اجتماعی و سازمان‌های بین‌المللی مطرح می‌شود. برخی از این اصول و ضوابط اساسی که به مددکاران اجتماعی کمک می‌کند تا در چهارچوب اخلاق حرفه‌ای در حوزه‌های مختلف حرفه‌ای از جمله درمان، آموزش، سنجش به فعالیت بپردازند عبارتند از: احترام به

شأن و آزادی انسان‌ها مستقل از رنگ، نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب، فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها؛ وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مددکاران اجتماعی در قبال رفاه و امور مربوط به سلامت روان‌شناختی افراد جامعه؛ تقدم مسئولیت مددکار به مُراجع، مگر در موارد تضاد صریح با قانون یا حکم قضایی مشخصی؛ سودمندی مداخلات به مُراجعان و سایر آحاد جامعه و عدم آسیب رسانی به آن‌ها؛ عدم تبعیض؛ توجه به نظام ارزش‌های جامعه؛ ارزش انسانی و کرامت ذاتی فرد؛ عدالت اجتماعی و برابری و عدم تبعیض؛ حق تعیین سرنوشت و اراده آزاد[۱] ؛ کارآمدی، صلاحیت و اهلیت حرفه‌ای مددکار[۲]؛ آموزش‌های ادواری مستمر و به روز ماندن و بازتاب داشتن مددکار بر عملکرد خویش؛ صداقت، راستی و اعتماد؛ عدم پیش‌داوری، حفظ حریم خصوصی و محرمانگی و سایر تعهدات قانونی و اخلاق حرفه‌ای؛ اجتناب از تعارض منافع طرفین مداخله؛ پرهیز از روابط دوگانه[۳] یا چندگانه با مُراجع که ممکن است باعث سوء استفاده، ابهام مرزها یا اختلال در قضاوت مددکار شود؛ و ضرورت شفافیت مرزها و فرهنگ پذیری؛ و محدودیت نقش، قطع خدمات و ارجاع. (فرقانی و قادری، ۱۳۹۵) و (خفتان، ۱۳۹۵)

مددکار اجتماعی ممکن است در برخی موارد متوجه برخی ناعدالتی‌های پنهان منجر به تضییع حقوق و بلکه در سطحی گسترده‌تر، اعدام تدریجی مُراجعان از طریق محرومیت آنها از برخی فرصت‌های زندگی شرافتمندانه و متعادل شود ولو این که ظاهر قضیه کاملا قانونی است در صورتی که ای بسا تنظیم تدوین و تصویب خود قوانین توسط حکومتی شده باشد که به جای رعایت جانب انصاف و عدالت اجتماعی و حقوق مردم، به بقای خود اندیشیده است، چرا که دولت‌ها هم برای خودشان منافعی دارند و این منافع، گاه با منافع ملت‌ها در تعارض است و احتمال دارد که این منافع با همدیگر نخوانند. بنابراین، در مقابل قوانین مسئله‌دار هم باید به شکلی ایستادگی کرد.(کاتوزیان، ۱۳۷۹) در چنین مواردی اخلاق مددکاری اجتماعی و رعایت کدهای اخلاق حرفه‌ای می‌تواند چراغ راه مددکار باشد. لازم به یادآوری است صبور اردوبادی(۱۳۶۲/۳) تصریح دارد بر اینکه هر دو نوع قتل و اعدام آنی و تدریجی جرم محسوب شده قابل تعقیب است.

ریشه‌یابی عدول متخلفین از ضوابط اخلاق حرفه‌ای

فساد نظام‌مند و ساختاری در جامعه که ناشی از انحراف اخلاقی اغلب آحاد آن و یا فساد و عدم صلاحیت حکومت و نظام مدیریتی و سیاست‌گذاری کلان جامعه است به عنوان ریشه اصلی عدول متخلفین از اخلاق حرفه‌ای از مکانیسم‌ها و سازوکارهای مختلف و متنوعی برخوردار است. بستر مسائل اخلاقی ریشه در خارج از سازمان دارد و زمینه‌های مختلفی از قبیل تربیتی، خانوادگی، فرهنگ اجتماعی، میراث تاریخی و نهادهای دینی در آن نقش دارند. البته سنخ این مسائل در جوامع و کشورها متفاوت است. مثلاً دزدی کارکنان از شرکت، تعارض در علائق، مباحث کنترل کیفیت، تبعیض در استخدام و ترفیع، سوء استفاده از حساب‌های شرکت، اخراج کارکنان، کم‌کاری، قانون‌گریزی، مالیات‌گریزی، افت وفاداری سازمانی، شایسته گریزی، زیرآب زنی و حسدورزی از جمله مسائل اخلاقی جامعهٔ ما است. گاهی برخی متخلفین، با استناد به برخی مواد و تبصره های قانونی، رفتار غیراخلاقی خود را توجیه می‌کنند. حال آن که قانون ناظر به حقوق قراردادی است اما اخلاق ناظر به حقوق طبیعی مانند حق داشتن امنیت، آزادی، آگاهی است، پس دایره اخلاق شمول بیشتری دارد. اخلاق، قانون غیرمدون است و قانون، اخلاق مدون. اخلاق از جائی شروع می‌شود که قانون پایان می‌پذیرد. نسبت قانون و اخلاق عموم و خصوص من وجه است یعنی ممکن است رفتاری قانونی باشد اما اخلاقی نباشد. رانندگی از

[۱] Self-determination
[۲] Competence
[۳] dual relationships

سمت راست قانونی و الزامی و قراردادی است اما اخلاقی نیست. دروغ گفتن اما، غیراخلاقی است و معمولا منع قانونی ندارد. رفتار بد با ارباب رجوع غیراخلاقی است اما ظاهرا غیرقانونی نیست. بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی به سادگی به تور قانون صید نمی‌شوند مانند تطمیع و رشوه‌خواری، گمراه کردن نگهبان انبارهای دولتی، بخش خصوصی و دولتی در خرید و فروش و مانند آن. مسائل اخلاقی به دلیل پیچیدگی، از جایگزین‌های مختلف برخوردارند و تلقی پاسخ صریح و دوگانه خیر یا آری از آنها بن بست موهوم، و از جمله «موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها» است که غالبا نیز عامل سوق افراد به انتخاب قاعده دفع افسد به فاسد و اقدام غیراخلاقی می‌گردد. در حالی که یک انتخاب اخلاقی صرفا گزینش یک طرف و فرونهادن طرف دیگر نیست بلکه فرو نهادن مؤلفه‌های فراوان دیگر است که آثار و تبعات به هم تنیده‌ای دارد.(کارنیل،۱۴۰۵)

مبانی اخلاقی در مددکاری اجتماعی

تکامل جوامع انسانی در گرو رعایت اخلاق فردی و اجتماعی است(پوراکبریان،۱۴۰۴) این ملازمه رفتاری شامل کلیه ساحات زندگی انسان از جمله زیست شغلی و حرفه‌ای نیز می‌شود. هر یک از حرفه‌های مرتبط با انسان، حوزه‌ها و ابعاد مختلفی دارند که برخی مشترک و برخی دیگر اختصاصی آن حرفه است. علیرغم این تفاوت به نظر می‌رسد اصول اساسی در تمامی حرفه‌های یاورانه از قبیل روان‌درمانی، مشاوره، روانپزشکی، مددکاری اجتماعی یکسان است. هر چند اخلاق در همه مشاغل ضروری است اما در حرفه مددکاری اجتماعی این عامل ضرورت بیشتری دارد؛ چرا که اولاً مددکاران اجتماعی با خصوصی ترین مسائل زندگی مددجویان سر و کار دارند و رعایت نکردن اصول اخلاق حرفه‌ای چه بسا ضررهای جبران ناپذیری بر فرد وارد کند، ثانیاً رفتار حرفه‌ای و توأم با مسؤولیت مددکاران اجتماعی در برخورد با مددجویان نقش مؤثری در ایجاد انگیزه و جلب مشارکت آنان برای تلاش در جهت بهبود وضعیت شان به همراه خواهد داشت.(خفتان، ۱۳۹۵)

مسئولیت‌پذیری اخلاقی مددکاران اجتماعی در قبال مُراجعین به ویژه در خصوص تعهدات اخلاقی مددکاران در حفظ حریم خصوصی، صداقت، و پرهیز از تبعیض، همچنین پایبندی به اصول اخلاقی، اعتماد مُراجعین را جلب کرده و اثربخشی مداخلات و کیفیت خدمات مددکاری اجتماعی را افزایش می‌دهد. تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بر رویکردهای اخلاقی در مددکاری اجتماعی مخصوصاً در چالش‌هایی که مددکاران در برخورد با افراد با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت دارند و لزوم انعطاف‌پذیری اخلاقی و اهمیت اخلاق حرفه‌ای در عصر دیجیتال و خدمات آنلاین مددکاری اجتماعی و توجه به مسائل اخلاقی جدید مانند امنیت داده‌ها، حفظ حریم خصوصی در ارتباطات مجازی و سوءاستفاده احتمالی نیز از جمله موارد شایان توجه ویژه می‌باشد. (Pourakbarian&Lotfi, ۲۰۱۳)

اهمیت اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی

پیش از ورود به سایر موضوعات اخلاق حرفه‌ای لازم است نگاهی به اهمیت اخلاق در مددکاری اجتماعی داشته باشیم. مددکار اجتماعی به دلیل نوع حرفه‌اش با گروه‌هایی سروکار دارد که آسیب‌پذیر هستند. این افراد به دلیل مشکلاتی که دارند به مددکار اعتماد می‌کنند و مسائل بسیار خصوصی زندگی‌شان را در اختیار او قرار می‌دهند. این اعتماد اگر با رعایت اخلاق همراه نباشد، به سرعت از بین می‌رود. به همین دلیل است که اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی پایه اصلی این رشته محسوب می‌شود. اخلاق حرفه‌ای به مددکار کمک می‌کند در برابر فشارهای مختلف سازمانی، اجتماعی یا فردی بتواند تصمیم‌های درست بگیرد و منافع مُراجعان را در اولویت قرار دهد. اصولی مانند احترام به کرامت انسانی، محرمانگی، عدالت، صداقت و مسئولیت‌پذیری همگی بخشی

از اخلاق حرفه‌ای هستند. اما چالش‌هایی که در عمل وجود دارد، اجرای این اصول را سخت می‌کند و همین موضوع به یکی از دغدغه‌های اصلی در این حرفه تبدیل شده است.(میگنا، ۱۳۸۹/۶) اهمیت اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی را می‌توان در چند وجه دید: اول، اعتماد مُراجعان به مددکار زمانی شکل می‌گیرد که آنها اطمینان یابند رفتار مددکار مبتنی بر اصول اخلاقی است. دوم، مددکار در بسیاری موارد با تضاد نقش مواجه می‌شود (مثلا بین منافع مُراجع و الزام‌های قانونی یا سازمانی) اخلاق حرفه‌ای به او چارچوبی می‌دهد برای تصمیم‌گیری. سوم، مددکاری اجتماعی باید به ارتقاء عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق انسان‌ها بپردازد؛ بدون اخلاق، ممکن است این حرفه به ابزار قدرت یا کنترل تبدیل شود.(اکبری، ۱۴۰۴)

نقش اخلاق در مراحل مداخله مددکاری اجتماعی

اخلاق حرفه‌ای در هر مرحله از فرایند مددکاری (از تماس اولیه تا خاتمه رابطه) نقش دارد. در این قسمت، به مرور اجمالی فرایند این مراحل و مفاهیم اخلاقی مرتبط می‌پردازیم:

مرحله ارزیابی و شناخت[۱]

در مرحله شناخت مُراجع و جمع‌آوری داده‌ها، مددکار باید مراقب باشد که سوالات حساس را با احترام مطرح کند، از مُراجع اجازه بگیرد، شفاف درباره هدف پرسش ها توضیح دهد و اطلاعات لازم را با اطلاع مُراجع جمع کند. نباید وارد حریم خصوصی بی مورد شود یا مُراجع را مجبور به افشای داده‌هایی نماید که مایل نیست. همچنین هر اطلاعاتی که جمع می‌شود باید با اجازه مُراجع و با رعایت محرمانگی نگهداری شود. در جمع‌آوری داده‌ها باید دقت شود که داده‌ها به شیوه‌ای غیر-جانبدارانه جمع شوند و سوگیری شخصی مددکار در سوالات یا تحلیل داده‌ها کنترل شود.

برنامه ریزی مداخله[۲]

در مرحله طراحی مداخله، مددکار باید مُراجع را مشارکت دهد، گزینه‌ها را شفاف توضیح دهد، محدودیت‌ها و ریسک‌ها را بازگو کند، و در تصمیم‌گیری مداخله حق انتخاب مُراجع را محترم بداند. همچنین باید گزینه‌های جایگزین را بررسی کند و بهترین گزینه را با توجه به اصول اخلاقی و محدودیت‌های عملی انتخاب نماید. برای مثال اگر مُراجع تمایلی به مداخله‌ای خاص دارد یا نگران عوارضی است، مددکار باید آن را بشنود و گزینه‌ای دیگر یا تعدیل مداخلات پیشنهاد دهد.

اجرای مداخله[۳]

در اجرای مداخله نیز مددکار باید همواره مراقب رفتار خود باشد: اعمالش مطابق برنامه و با احترام باشد، وعده هایی که داده است وفا کند، مُراجع را در جریان پیشرفت قرار دهد، تغییرات را اطلاع دهد و تعامل را حفظ نماید. اگر در اجرای مداخله به مشکلی برخورد، باید مُراجع را درگیر کند و با شفافیت تصمیمات تغییر را با او بررسی نماید. در صورت بروز خطا یا تاخیر، مددکار باید مسئولیت بپذیرد، آن را به مُراجع توضیح دهد و راه جبران یا اصلاح پیشنهاد دهد.

---

[۱] Assessment
[۲] Planning
[۳] Intervention

ارزیابی و بازخورد[۱]

پس از اجرای مداخله، لازم است مددکار و مُراجع با هم ارزیابی کنند: آیا اهداف محقق شدند؟ آیا عوارض جانبی داشت؟ آیا مداخله به خواست مُراجع پاسخ داد؟ اگر نتایج مطلوب نبود، باید بازبینی کنند و در صورت نیاز اصلاح نمایند. در این مرحله اخلاق ایجاب می‌کند نتایج به صورت واقعی گزارش شود، نه به صورت تزئین شده یا اغراق آمیز. اگر بخشی از اهداف محقق نشده یا مُراجع خواست تغییر دهد، مددکار باید انعطاف نشان دهد و برنامه را تعدیل نماید.

خاتمه، ارجاع و انتقال[۲]

وقتی مداخله به پایان می‌رسد یا مددکار تشخیص می‌دهد که باید مُراجع را به فرد یا نهاد دیگری ارجاع دهد، باید این مرحله با حساسیت اخلاقی انجام شود. مُراجع باید در جریان باشد، دلایل خاتمه یا انتقال را بفهمد، گزینه‌های بعدی را بشناسد و در فرآیند انتخاب جایگزین شرکت کند. انتقال باید به نحوی انجام شود که مُراجع احساس ترک‌شدگی نکند. اگر مددکار دیگر توان ادامه کار را ندارد یا شرایطی پیش آمده که ادامه کمک امکان‌پذیر نیست، باید این موضوع را روشن کند و ترتیبی دهد که مُراجع در مسیر دیگری حمایت شود.(جانسون، ۱۳۹۰)

ساختار اخلاقی و چارچوب تصمیم‌گیری در مددکاری اجتماعی

داشتن اصول اخلاقی کافی نیست؛ مددکار باید قابلیت تحلیل موقعیت‌های پیچیده اخلاقی و اتخاذ تصمیمات اخلاقی را داشته باشد. برای این منظور، چارچوب ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری اخلاقی پیشنهاد شده‌اند که به مددکار کمک می‌کنند تا در موقعیت دشوار بتواند انتخاب معقول تری داشته باشد. تحلیل اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی یعنی بررسی ارزش‌ها، اصول، چالش‌ها، شیوه‌های تصمیم‌گیری اخلاقی و راهکارهایی که مددکار می‌تواند به کمک آنها در میدان عمل عمل کند. یکی از مدل‌های شناخته شده برای تحلیل مسائل اخلاقی «مدل تصمیم‌گیری اخلاقی» است. این مدل معمولا شامل مراحلِ تشخیص مسئله اخلاقی؛ مناقشه بر سر قابلیت توجیه وسیله توسط هدف؛ جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها؛ تحلیل ارزش‌ها و اصول دخیل؛ انتخاب گزینه‌های ممکن؛ ارزیابی گزینه‌ها از منظر اخلاقی؛ تصمیم و اجرا؛ و نیز بازبینی و بازخورد می‌باشد.

یکی از مدل‌های کلاسیک تصمیم‌گیری اخلاقی، مدل «پاتر باکس[۳]» است که چهار مؤلفه دارد: حقایق، ارزش‌ها، اصول اخلاقی و وفاداری‌ها[۴] با استفاده از این مدل، مددکار می‌تواند در هر موقعیت مسئله را از این چهار منظر بسنجد و ترکیب متوازن تری از دلایل و ملاحظات را انتخاب کند. علاوه بر مدل‌های کلی، در زمینه مددکاری اجتماعی گاهی چارچوب های خاصی پیشنهاد می‌شوند که ویژگی‌های حرفه را در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال، در مواردی که سوالات فرهنگی، نابرابری ساختاری یا تعارض نقش با الزامات قانونی وجود دارد، مددکار ممکن است از چارچوب‌های مداخله انتقادی یا رویکرد ضد سرکوب[۵] استفاده کند. در این رویکردها، مددکار ضمن توجه به فرد، به ساختارهای قدرت و نابرابری در جامعه نیز توجه می‌کند و موضعی انتقادی اتخاذ می‌کند. به عبارت دیگر،

---

۱ Evaluation
۲ Termination / Referral
۳ Potter Box
۴ loyalties
۵ anti-oppressive practice

علاوه بر نگاه ریز به مُراجع، نگاه کلان اجتماعی نیز باید در تصمیم‌گیری اخلاقی لحاظ شود: آیا این مداخله باعث تقویت نابرابری ساختاری نمی‌شود؟ آیا مُراجع در چارچوب قدرت و نفوذ اجتماعی مورد استثمار قرار نمی‌گیرد؟(اکبری، ۱۴۰۴)

در حالی که هیچ فرمول آسانی برای حل معضلات اخلاقی وجود ندارد، یک رویکرد ساختاریافته متشکل از مراحل زیر می‌تواند به مددکاران اجتماعی متخصص در مورد اتخاذ تصمیم‌گیری‌های آگاهانه کمک نماید: شناسایی مشکل؛ توجه به کدهای اخلاقی مانند منشور انجمن ملی مددکاران اجتماعی آمریکا[1]؛ مشورت با منابع لازم حرفه‌ای؛ ارزیابی گزینه‌ها؛ اجرای یک تصمیم و سند؛ انعکاس و ارزیابی.(مددکارنیوز، ۱۴۰۳)

چالش‌های اخلاقی مددکاران اجتماعی

چالش اخلاقی به موقعیتی گفته می‌شود که مددکار نمی‌تواند به‌سادگی تصمیم بگیرد چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است. در چنین شرایطی، تضاد ارزش‌ها و منافع پیش می‌آید و انتخاب هر مسیر ممکن است پیامدهایی مثبت یا منفی داشته باشد. به عنوان مثال مددکار ممکن است میان حفظ محرمانگی اطلاعات مُراجع و گزارش دادن موضوع به یک نهاد قانونی مردد بماند. هر کدام از این انتخاب‌ها هم توجیه اخلاقی دارد و هم پیامدهای خاص خود را. همین وضعیت باعث می‌شود که مددکاری اجتماعی پر از موقعیت‌های اخلاقی پیچیده باشد. به عبارتی در میدان عمل، مددکار با چالش‌ها و موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که اصول اخلاقی ممکن است با هم در تضاد قرار گیرند یا با محدودیت‌های سازمانی یا قانونی مواجه شوند، از جمله: فشارهای سازمانی و اداری موجب دوراهی منافع سازمان و مصالح مُراجع؛ کمبود منابع و امکانات موجب ناگزیری از انتخاب برخی مُراجعان و رد برخی دیگر؛ تضاد میان محرمانگی و امنیت؛ روابط عاطفی و مرزهای حرفه‌ای؛ فرسودگی شغلی و تأثیر آن بر اخلاق حرفه‌ای؛ تضاد یا تعارض میان قوانین دولتی و اصول اخلاقی؛ اعدام تدریجی مانع زیست اخلاقی و سالم، تضاد میان منافع مُراجع و الزامات قانونی/ سازمانی؛ نبود آموزش عملی کافی در زمینه اخلاق(Pourakbarian, Diyarbakir, ۲۰۲۳)؛ فشارهای فرهنگی و اجتماعی ناشی از تعارض بین فرهنگ افراد و اصول اخلاقی؛ فساد سازمان یافته و نهادینه شده در بافت کلی جامعه، فشارهای مالی مانند هدیه یا رشوه و خطر تضاد منافع؛ مرزهای حرفه‌ای و روابط دوگانه؛ فشار سازمانی و محدودیت منابع؛ محدودیت‌های فرهنگی، زبانی و تفاوت‌های ارزشی؛ **و** ابهام و شک در قضاوت اخلاقی.(اکبری، ۱۴۰۴)، (میگنا، ۱۳۸۹/۶) **و** (Pourakbarian, Diyarbakir, ۲۰۲۳).

مددکاران اجتماعی در عمل با چالش‌های اخلاقی زیادی روبه‌رو می‌شوند. به طور مثال، ممکن است بین رازداری و حفظ امنیت جامعه تعارض ایجاد شود. یا اینکه مددکار در برابر فشارهای سازمانی و اجتماعی قرار گیرد. در چنین شرایطی، مددکار باید با تکیه بر اصول اخلاقی و ارزش‌های حرفه‌ای بهترین تصمیم ممکن را اتخاذ کند. ارزش و اخلاق در مددکاری اجتماعی مانند دو بال پرواز هستند که حرفه مددکاری را به سمت اهداف عالی خود هدایت می‌کنند. بدون پایبندی به ارزش‌ها و اصول اخلاقی، مددکار اجتماعی نمی‌تواند رسالت اصلی خود یعنی حمایت از انسان‌ها و ارتقای کیفیت زندگی را به انجام برساند. بنابراین آموزش، درونی‌سازی و به‌کارگیری این ارزش‌ها و اصول در عمل روزمره مددکاران اجتماعی بسیار ضروری است.(میگنا، ۱۳۸۹/۱۲) صدیق سروستانی(۱۳۹۰) در خصوص برخی جرایم سازمان یافته که غالباً توسط توسط گروه‌ها و سازمان‌هایی انجام می‌شود که علاوه بر داشتن تشکیلات و بنیه قوی مالی در ارکان حکومت نیز نفوذ دارند اشاره ای دارد به دارایی این گونه سازمانها که اغلب چندین برابر بودجه سالیانه برخی

[1] NASW

کشورهاست. بدیهی است در چنین شرایطی حکومت نمی‌تواند اراده برخورد با اختلاس‌گران و مرتشیان داشته باشد. دل یک مددکار با وجدان از دیدن انواع اشکال فساد از جمله کیفر و عقاب آفتابه دزد در جامعه‌ای که اختلاس‌های نجومی منجر به هیچ عقوبت منطقی نمی‌شود به درد می‌آید به ویژه که کاری از دستش بر نیاید چرا که نه می‌تواند موجب کیفر و سزای اختلاس کننده شود و نه قادر به تخفیف کیفر آفتابه دزد؛ در حالی که مساواتی آذر(۱۳۸۳) به نقل از اولین امام اهل تشیع یادآوری می‌نماید: «هرکس با دل و زبان و دست و دست و دیگر امکانات خویش از فساد پیشگیری ننماید مرده ای بین زندگان است».

مزایا و محدودیت‌های اخلاق حرفه‌ای در مددکاری

نگاهی به مزایا و محدودیت‌های اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به درک واقع بینانه تر از نقش آن کمک کند. برخی مزایای اخلاق حرفه‌ای عبارتند از: اعتماد مُراجع را تقویت می‌کند و رابطه کاری موثرتری ایجاد می‌کند؛ صفوف تصمیم‌گیری مددکار را روشن‌تر می‌سازد و از سردرگمی‌در موقعیت‌های دشوار جلوگیری می‌کند؛ اعتبار حرفه را ارتقا می‌دهد و استانداردی عمومی برای رفتار مددکاران ایجاد می‌کند؛ به مددکار امنیت روانی می‌دهد که در چارچوبی اخلاقی عمل می‌کند و اگر انتقاد یا شکایتی پیش آید، مستندات اخلاقی دارد؛ موجب بازتاب و رشد حرفه‌ای مددکار می‌گردد چون مددکار همواره به خودآزمایی و ارتقاء اخلاقی تشویق می‌شود. موارد زیر نیز از جمله محدودیت‌ها و موانع اخلاق حرفه‌ای در مددکاری است: اخلاق حرفه‌ای نمی‌تواند همه موقعیت‌های متفاوت و پیچیده را پیش‌بینی کند؛ گاهی اصول اخلاقی با هم برخورد می‌کنند و هیچ راه حلی کامل وجود ندارد؛ محدودیت-های سازمانی، فشار منابع، سیاست‌های اداری یا قوانین ممکن است امکان عمل اخلاقی کامل را سلب کنند؛ گاهی مددکار درگیر تعارض نقش باشد و تحت فشار قرار گیرد که از منظری غیراخلاقی عمل کند؛ اختلافات فرهنگی و ارزشی میان مددکار و مُراجع ممکن است پیچیدگی‌های اخلاقی ایجاد کند که اخلاق حرفه‌ای به تنهایی جوابگو نیست؛ برخی وظایف مددکاری بدلیل حاکمیت اشکال ناروای روابط و سازوکارهای غیراخلاقی از جمله ارتشاء ناشی از سلطهٔ مافیا و سرسپردگی یا ضعف شخصیتی برخی مسئولان امر در عمل غیرممکن یا توأم با برخی مشکلات تبعی بوده ایفای آن موجب خساراتی است که متوجه مددکار می‌شود. با آگاهی از این محدودیت‌ها، مددکار باید همواره دانش، مهارت و انعطاف داشته باشد تا بتواند میان اصول اخلاقی و واقعیت‌های میدان عمل تعادلی برقرار کند (اکبری، ۱۴۰۴)

پیامدهای عدم رعایت الزامات اخلاقی مددکاری اجتماعی

نادیده گرفتن اصول اخلاقی در مددکاری اجتماعی پیامدهای جدی دارد. نخستین پیامد، از دست رفتن اعتماد مُراجع است. اگر مُراجع احساس کند که اطلاعاتش فاش شده یا مورد تبعیض قرار گرفته است، دیگر به مددکار اعتماد نخواهد کرد. دومین پیامد، آسیب به اعتبار حرفه مددکاری اجتماعی است. وقتی تخلفات اخلاقی در این حرفه افزایش یابد، جامعه نسبت به کل رشته بی‌اعتماد می‌شود. علاوه بر این، نادیده گرفتن اخلاق می‌تواند به آسیب مستقیم به مُراجعان منجر شود و مشکلات آنان را تشدید کند. نادیده گرفتن اخلاق در مددکاری اجتماعی می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته باشد، از جمله از دست رفتن اعتماد مُراجعان و کاهش اعتبار حرفه. اما با آموزش مداوم، پشتیبانی سازمانی، خودمراقبتی مددکاران و تقویت فرهنگ اخلاقی می‌توان این چالش‌ها را مدیریت کرد. در نهایت، چالش‌های اخلاقی بخشی از واقعیت مددکاری اجتماعی هستند، اما با پایبندی به اصول اخلاقی می‌توان مسیر این حرفه را به سوی انسانی‌تر شدن و اثربخش‌تر شدن هدایت کرد.(میگنا، ۱۳۸۹/۶)

وقتی مددکار اجتماعی به فرد یا گروهی کمک می‌کند، در موقعیتی قرار می‌گیرد که قدرت، دانش، نفوذ و نقش میانجی دارد. اگر این قدرت و نقش بدون چارچوب اخلاقی اداره شود، ممکن است به بی‌عدالتی، سوء استفاده یا تخطی از حقوق افراد بینجامد. مددکار اجتماعی که به اصول اخلاقی احترام نگذارد، در معرض کاهش اعتماد مُراجعان، مخاطره اخلاقی، تضاد نقش، سستی اعتبار حرفه‌ای و عملکرد ناکارآمد قرار می‌گیرد. در عین حال، اخلاق حرفه‌ای به مددکار چارچوبی می‌دهد تا در موقعیت‌های دشوار تصمیم بگیرد، تعارض‌ها را مدیریت کند، رفتار خود را بهبود دهد و سطح حرفه‌ای خود را ارتقاء دهد. (اکبری، ۱۴۰۴) اثرات مسائل و تصمیم‌های اخلاقی ماندگار و پایدار است و مثل موجود زنده سالها سازمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آثار زیست محیطی دفع مواد زاید و زباله‌های صنعتی، عدم رعایت اصول بهداشتی در تولید، عدم شایسته سالاری در استخدام هیئت علمی، اعطای تسهیلات مالی به حوزه‌های مواد مخدر و مانند آن به یکی دو سال ختم نمی‌شود. این تاثیرات در بیشتر موارد اثرات فراسازمانی دارند و به زیان اجتماع منجر می‌شوند. معضلات اخلاقی پروژه‌های تحقیقاتی مثل شبیه‌سازی انسان، به یک سازمان تحقیقاتی محدود نمی‌شود. نتایج و آثار و تبعات مسائل و تصمیم‌های اخلاقی معمولا ناپیداست و بنابراین انسان‌ها و سازمان‌ها سود کوتاه مدت را می‌بینند و چشم بر ضرر بلند مدت می‌بندند: رشوه بده و کالای وارد شده را به سرعت دریافت کن! دو دفتر مالی تدوین کن و از پرداخت مالیات بگریز! با چاپلوسی و زیرآب زنی و نفاق خود را جا بزن و رشد کن! در حالی که هر رفتار غیراخلاقی مانند سوراخی که موش در انبار گندمی ایجاد می‌کند، اثر اعمال انسان و سازمان را می‌سوزاند. (کارنیل،۱۴۰۵)

راهکارهای رویارویی با چالش‌های اخلاقی

اگرچه چالش‌های اخلاقی بخشی جدایی‌ناپذیر از مددکاری اجتماعی هستند، اما می‌توان با برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب آن‌ها را مدیریت کرد. آموزش مداوم در زمینه اخلاق حرفه‌ای، ایجاد کدهای اخلاقی روشن در سازمان‌ها، حمایت روانی از مددکاران، فراهم کردن منابع کافی، و فرهنگ‌سازی در جامعه از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به کاهش این چالش‌ها کمک کنند. علاوه بر این، مددکار باید بر خودمراقبتی تأکید کند و از سلامت روانی و جسمی خود مراقبت کند تا بتواند در شرایط سخت تصمیم‌های اخلاقی بهتری بگیرد.(میگنا، ۱۳۸۹/۶)

الگوهای تقویت اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی

برای آنکه اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی تبدیل به بخشی جدانشدنی از رفتار و فرهنگ حرفه شود، می‌توان توصیه‌ها و راهبردهایی را به کار گرفت: آموزش اخلاق حرفه‌ای؛ گفتگو و مشورت اخلاقی؛ تشکیل کمیته یا مرجع اخلاقی در سازمان؛ مستندسازی اخلاقی؛ فرهنگ سازمانی حامی اخلاق؛ بازتاب حرفه‌ای؛ به روزرسانی کدهای اخلاقی؛ ظرفیت‌سازی در مهارت‌های میان فردی. دوراهی‌های اخلاقی در مددکاری اجتماعی و راهکارهای مواجهه، موقعیت‌های دشواری که مددکاران با آن‌ها روبرو می‌شوند (مثلاً تضاد بین منافع مُراجع و سازمان) و چگونگی تصمیم‌گیری اخلاقی در این شرایط از جمله موضوعات مناقشه برانگیر این حرفه است.(اکبری، ۱۴۰۴)

نتایج و پیشنهادات

با توجه به توصیه منابع دینی و نیز حکم منطق و اخلاق، قانونگذاران، مجریان و مباشران از جمله مددکاران اجتماعی بایستی در کلیه موقعیت‌ها و مراحل شغلی خود منافع و رفاه شهروندان و ارباب رجوع را سرلوحه قرار داده از این اصل غافل نباشند که در صورت

هرگونه تعارضی بین قوانین، نظامنامه‌ها، استانداردها و کدهای اخلاقی با منافع شهروندان، اولویت و ارجحیت با رعایت حقوق‌الناس است همچنان که که خداوند نیز می‌فرماید: خدا آسانی و راحت شما را می‌خواهد نه دشواری و مشقت شما را. (بقره/۱۸۵) اخلاق حرفه‌ای ایجاب می‌کند مددکاران اجتماعی از ضرورت شفافیت و صداقت با مُراجعان خویش غافل نباشند. اهمیت این اصل را صالحی(۱۴۰۴) به صورت شرط مشروعیت نظام مدیریتی کلان جامعه نشان داده است: «شفافیت و صداقت یک وظیفه شرعی و حقوقی برای حاکمیت است و عدم رعایت آن موجب سلب مشروعیت می‌شود». اخلاق حرفه‌ای در هر جامعه‌ای متأثر از اخلاق عمومی است. در جامعه‌ای که احترام به قوانین صورت نمی‌گیرد و اخلاق در جامعه رعایت نمی‌گردد و کرامت انسانی حفظ نمی‌شود در نتیجه متخصصان نیز تحت تأثیر چنین شرایطی قرار می‌گیرند و ممکن است نسبت به اصول حرفه‌ای چندان پایبند نباشند؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد تا دوره‌های آموزشی اخلاق حرفه‌ای به صورت مرتب برگزار گردد و در دانشگاه‌ها هنگام گذراندن دورۀ کارورزی توسط دانشجویان تأکید بیشتری بر اخلاق حرفه‌ای گردد. همچنین آموزش اخلاق به صورت اعم در سیاست‌گذاری‌ها مدنظر قرار گیرد (فرقانی و قادری، ۱۳۹۵)

منابع

۱- آنراو، یوان ای. و گرینل، ریچارد ام.، پژوهش و ارزیابی در مددکاری اجتماعی: رویکردهای پژوهشی کمی و کیفی، ترجمۀ الهیاری، طلعت و بخشی‌نیا، اکبر، نشر دانژه، ۱۳۸۹
۲- احمدی ابهری، سیدمحمدعلی، اسلام و دفاع اجتماعی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مؤسسۀ بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۶
۳- استارک، رادنی و سیمز بینبریج، ویلیام، «دین، کجروی و کنترل اجتماعی»، ترجمۀ صفار دستگردی، مهدی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، زمستان ۱۴۰۱
٤- اقلیما، مصطفی و راهب، غنچه، مددکاری فردی-کار با فرد، تهران: دانژه، ۱۳۸۹
٥- اکبری، خاطره، اهمیت اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی، سیویلیکا، ۰٤/۰۷/۱٥، بازیابی ۰٥/۰٦/۱٥، https://civilica.com/note/١٦١٣٢/
٦- رشنو، زهرا، رفاه اجتماعی چیست؟ بررسی انواع و اهداف آن، بلاگ انیگما، ۰٤/۱۰/۲۱، بازیابی ۰٥/۰٦/۲٤، https://enigma.ir/blog/social-welfare/
۷- باری، نورمن پی.، رفاه اجتماعی، ترجمۀ میرحسنی، سیداکبر و نوربخش، سیدمرتضی، سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۰
۸- برامر، لورنس مارتین، مراحل و مهارت‌های مددکاری، ترجمۀ کارکیا، پروانه، سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۲
۹- برکوویتز، لئونارد، روانشناسی اجتماعی، ترجمۀ فرجاد، محمدحسین و محمدی اصل، عباس، اساطیر، ۱۳۸۷
۱۰- پوراکبریان‌نیاز، محمدرضا، بررسی و مقایسۀ انواع سیستم‌های نوبت‌کاری و تعیین بهترین سیستم و برنامۀ نوبت‌کاری (مطالعه موردی در شرکت پالایش نفت تبریز)، پایان‌نامۀ کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی-تولید و عملیات، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ۱۳۸٥.
۱۱- پوراکبریان نیاز، محمدرضا، مددکاری اجتماعی نوبت‌کاران، انتشارات آثار فاخر، تبریز، ۱٤۰٤.

۱۲- پورنجف، حیران، مددکاری اجتماعی و ضرورت‌های جوامع نوین، ایسنا، ۹٤/۱۲/۱٦، بازیابی ۰۵/۰٦/۲۰، https://isna.ir/xdjgCN
۱۳- پین، مالکوم، نظریه نوین مددکاری اجتماعی، ترجمهٔ الهیاری، طلعت و بخشی‌نیا، اکبر، نشر دانژه، ۱۳۹۱
۱٤- توئلوتریز، آلن، مددکاری اجتماعی: کار در جامعه، ترجمهٔ همتی، فریده، سمت، ۱۳۹۱
۱۵- جانسون، لوئیز، حرفهٔ مددکاری اجتماعی از دیدگاهی جامع، ترجمهٔ بازرگانی، محمدحسین، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ سوم، ۱۳۹۰
۱٦- حسینی بهشتی، سیدمحمد، سلسله درس‌های اسلامی: مسئلهٔ مالکیت، سید جمال، ۱۳٦۰
۱۷- حیدری، سیده اشرف، پرستاری جامعه نگر: بهداشت جامعه، شهرآب، ۱۳۸٤
۱۸- خاکساری، محمدحسن، مبانی مددکاری اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۲)
۱۹- خانلری کوچکسرایی، مرتضی و سنایی، نقی، اخلاق حرفه‌ای در مدیریت بازرگانی با رویکرد اسلامی‌در شرکت ایران خودرو مازندران، چهارمین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت، تهران، ۱٤۰۱
۲۰- خفتان، پروانه، جایگاه اصول اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی کجاست؟، پایگاه اطلاع رسانی مددکاران اجتماعی ایران، ۹۵/۱۰/۰۳، بازیابی ۰۵/۰٦/۱۸، https://iraniansocialworkers.ir/?p=۸۱۰۷
۲۱- دبیری، احمد، تعریف اخلاق، پژوهشکدهٔ باقرالعلوم، ۹۳/۰۸/۲٤، بازیابی ۰۵/۰٦/۲۵، https://www.pajoohe.com
۲۲- رام‌برزینی، مهرداد، هدف اصلی مددکاری اجتماعی چیست؟، پایگاه خبری، علمی و اختصاصی روانشناسی و بهداشت روان (میگنا)، ۰٤/۸/۹، بازبینی ۰۵/۰٦/۲۰، https://www.migna.ir
۲۳- رام‌برزینی، مهرداد، مفهوم واقعی مددکاری اجتماعی، سیویلیکا، ۰٤/٦/۱، بازبینی ۰۵/۰٦/۲۰، https://civilica.com/note/۱٤٦۵۷/
۲٤- رنجبر، محمدرضا، مددکاری اجتماعی: نوتوانی گروه‌های خواص (توانبخشی)، آوای نور، ۱۳۹۰
۲۵- روسک، جوزف و وارون، رولند، مقدمه بر جامعه شناسی، ترجمهٔ نبوی، بهروز و کریمی، احمد، انتشارات کتابخانه فروردین، ۱۳۵۵
۲٦- زاهدی اصل، محمد، مبانی رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸
۲۷- زاهدی اصل، محمد، مبانی مددکاری اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱٤۰۱
۲۸- سپهری، محمدرضا، توسعهٔ انسانی، مؤسسهٔ کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵
۲۹- سیفعلی‌ئی، فاطمه، اخلاق اجتماعی کاربردی، قم: مؤسسهٔ بوستان کتاب، ۱۳۹٤
۳۰- شاملو، باقر؛ اعتمادی، علی؛ علیمرادی، امان‌اله و احمدی موسوی، سید مهدی، مؤلفه‌های اخلاقی در اقتدار قضایی با محوریت حقوق ایران، پژوهش‌های اخلاقی، ۱۳۹۹، ۲٤-۵
۳۱- صالحی، حدیث، بررسی نقش ارتباطات شفاف و اخلاقی در افزایش اعتماد عمومی و مشارکت شهروندی با تکیه بر آموزه‌های دینی و حقوق خانواده، دوازدهمین کنفرانس بین المللی علوم اسلامی، پژوهش های دینی و حقوق، تهران، ۱٤۰٤، https://civilica.com/doc/۲٦٤۸٤۵۲
۳۲- صبور اردوبادی، احمد، اصالت هنر و علل انحراف احساس هنرمند، انتشارات هدی، ۱۳٦۱
۳۳- صبور اردوبادی، احمد، بهداشت اسلامی: قسمت سوم: سیگار و تندرستی، انتشارات هدی، ۱۳٦۲/۳

۳٤- صبور اردوبادی، احمد، بهداشت اسلامی: قسمت پنجم: غذای انسان (زندگی و مرگ مواد غذایی)، انتشارات هدی، ۱۳٦۲/٥
۳٥- صبور اردوبادی، احمد، بازگشت به زندگی سالم: قسمت۲۹ (بلوغ: نقش بلوغ در تکامل انسانها)، انتشارات هدی، ۱۳٦٦
۳٦- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی: جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، سمت، ۱۳۹۰
۳۷- غفاری، حسین، معجزهٔ عاشورا، انتشارات حکمت، ۱۳۹۳
۳۸- فرقانی، لیلا و قادری، سلمان، اخلاق حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی چیست و مبتنی بر چه اصولی است؟، مددکاری اجتماعی ایرانیان، ۹٥/۰۹/۲۷، بازیابی ۰٥/۰٦/۱٥، https://iraniansocialworkers.ir/?p=۸۰٤٦
۳۹- فرهود، داریوش، آیا همیشه «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»؟، اخلاق در علوم و فناوری. ۱۴۰۰; ۱۶ (۲) :۱-۲
٤۰- قرائت خیابان، مرضیه، رضایی حسین آبادی، حسین و بیدی، فاطمه، هنجاریابی پرسش‌نامهٔ اخلاق حرفه‌ای مددکاری اجتماعی، پژوهشنامهٔ مددکاری اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹٦، ۱٦۰-۱۲۱
٤۱- قندی، محسن، دیباچه ای بر مددکاری اجتماعی، انتشارات عطایی، ۱۳٤۷
٤۲- کاتوزیان، امیرناصر، اخلاق بالاتر از قانون است، نشست «حکومت قانون از منظر تاریخ حقوق»، انجمن علمی حقوق دانشگاه تهران، ۸۹/۰۹/۲۲، بازیابی ۰٥/۰٦/۱۹، https://fararu.com/fa/tiny/news-٦۳٥۷۹
٤۳- کاتوزیان، امیرناصر، نقد قانون‌گرایی افراطی، مجله نقد و نظر، شماره ۲۳و۲۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۹، ٤۹۰-٥۰٦
٤٤- کارنگی، دیل، آئین زندگی: چگونه تشویش و نگرانی را از خود دور کنیم، ترجمهٔ آذین‌فر، محمود، نشر آریان، ۱۳٦۸
٤٥- کارنیل، موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، مادسیج، بازیابی ۰٥/۰٦/۱۷، https://madsg.com
٤٦- کالشد، ورونیکا، مولندر، اودری، جونز، دیوید ان. و تامپسون، نیل، مدیریت در خدمات اجتماعی، ترجمهٔ همتی، فریده، سمت، ۱۳۹۲
٤۷- کامپتون، بیولا رابرتز و گالاوی، بارت، فرایندهای مددکاری اجتماعی، ترجمهٔ صدرالسادات، سیدجلال و کریمی، فرهاد، سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۸۲
٤۸- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمهٔ توسلی، غلام‌عباس و فاضل، رضا، سمت، ۱۳۸۸
٤۹- گروه بین‌الملل، تحولات نوین و رویکردهای نوظهور در مددکاری اجتماعی جهان، مددکارنیوز، ۰٥/٥/۲۹، بازیابی ۰٥/۰٦/۲٤، ۱٤۰٥
٥۰- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن، جامعه‌شناسی، ترجمهٔ چاوشیان، حسن، نشر نی، ۱۳۸۹
٥۱- لولین، آن، ایگیو، لورین و مرگر، دیوید، جامعه شناسی برای مددکاران اجتماعی، ترجمهٔ همتی، فریده، سمت، ۱۳۹۰
٥۲- مددکاری اجتماعی ایرانیان، اصول ده گانه مددکاری اجتماعی نوین: تحلیل جامع و استراتژیک اصول ده گانه مددکاری اجتماعی نوین در پارادایم‌های جهانی و بومی، https://iraniansocialworkers.ir/?p=۲۳۸۲۰
٥۳- مددکارنیوز، رفتار اخلاقی در مددکاری اجتماعی چگونه است؟، مددکارنیوز، ۰۳/۱/۸، بازیابی ۰٥/۰٦/۲٤، https://www.madadkarnews.ir/?p=۲۱٦۸٤
٥٤- مددکارنیوز، تحولات پارادایمی و رویکردهای نوین حرفه‌ای در مددکاری اجتماعی قرن ۲۱، مددکارنیوز، ۰٤/۹/٥، بازیابی ۰٥/۰٦/۲٤، https://www.madadkarnews.ir/?p=۲٦٥۲۰
٥٥- مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران: جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز، فروزش، ۱۳۸۳
٥٦- مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ۱۳۹۴ش، ص۱۹، ۲۰؛ معلمی، فلسفه اخلاق، ص۱۳و۱۴

۵۷- موسوی، هادی و حسنی، سیدحمیدرضا، هستی ارادی (کتاب اول: هستی‌های اجتماعی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰
۵۸- مکارم شیرازی،اخلاق در قرآن، ۱۳۸۷ش، ج۱، ص۷۶
۵۹- موسوی چلک، حسن، مددکاری اجتماعی: کار با فرد، سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۰
۶۰- میرزاآقاجانی، علی، تعلیم و تربیت: ارشاد، ج۱، انتشارات هدی، ۱۳۶۱/۱
۶۱- میرزاآقاجانی، علی، تعلیم و تربیت: ارشاد، ج۲، انتشارات هدی ۱۳۶۱/۲
۶۲- میگنا، ارزش و اخلاق در مددکاری اجتماعی، پایگاه خبری علمی و تخصصی روانشناسی و بهداشت روان (میگنا)، ۸۹/۱۲/۱۳، بازیابی ۰۵/۰۶/۲۴، https://www.migna.ir
۶۳- میگنا، چالش‌های اخلاقی در مددکاری اجتماعی، پایگاه خبری علمی و تخصصی روانشناسی و بهداشت روان (میگنا)، ۸۹/۰۶/۲۲، بازیابی ۰۵/۰۶/۱۵، https://www.migna.ir
۶۴- مینگ، سوم تی سویی، سرپرستی مددکاری اجتماعی: زمینه ها و مفاهیم، سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، ۱۳۹۰
۶۵- والش، جوزف، نظریه‌های مددکاری اجتماعی در عمل، ترجمۀ همتی، فریده، سمت، ۱۳۹۳
۶۶- هریس پرلمن، هلن، مددکاری اجتماعی، ترجمۀ منتخب، پریوش، شرکت سهامی‌کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۳
۶۷- Dolgoff, R., Loewenberg, F. M., & Harrington, D. (۲۰۰۵). Ethical decisions for social work practice (۷th ed.). Itasca, IL: F. E. Peacock.
۶۸- PourakbarianNiaz, MohammadReza. (۲۰۲۳). Sağlık bilimleriyle sosyal hizmetin barış zamanı. In SOCRATES ۸th International Health, Engineering and Applied Sciences Congress (Dicle University, Diyarbakir, Türkiye).
۶۹- PourakbarianNiaz, MohammadReza. (۲۰۲۳). Teknoloji bağımlısı olan çocukların sosyal hizmet gereksinimleri: Ankara-۲۲ Behmen İran okulu örneği [Doctoral dissertation]. Sosyal Bilimler Enstitüsü, Hacettepe Üniversitesi, Ankara, Türkiye.
۷۰- PourakbarianNiaz, MohammadReza, and Lotfi, Sayra. (۲۰۱۳). İran'da görme engelli kadınlar. In Aile ve Kadın Sempozyumu, Kırıkkale. pp. ۲۳-۲۸